

تاریخ خط میخی فارسی باستان (۲)

دکتر پرویز رجبی

۷- سرهنری راولینسن «پدر دوم تاریخ»:

بدون تردید در تاریخ خط میخی فارسی باستان، سرهنری راولینسن^{۵۵} همان جای والایی را دارد که کارستن نیبور و گئورگ گروته‌فند، که فتح باب نخستین با آن‌ها است. و اگر به نتیجه دستاوردهای راولینسن بیندیشیم، آسان می‌توانیم به او لقب «پدر دوم تاریخ» بدهیم. - مردی که با بازخواندن نبشته «کوه خدایان» تاریخ، تکلیف بسیاری از نوشته‌های «پدر اول تاریخ» را، و به این ترتیب تکلیف تاریخی باستانی ایران و غرب آسیا را، روشن کرد.

تا کار پیروزمندانه و پرثمر راولینسن، هیچ یک از سیاحان و باستان‌شناسان به کمک چنگ و دندان از سینه سنگین کوه بغستان بالا نرفته و با استقبال از خطر و مرگ از هزار سطر نبشته داریوش رو نبشته تهیه نکرده بود. راستی را که پس از حجاران داریوش، در طول ۲۵۰۰ سال، راولینسن نخستین کسی است که از سینه صخره سنگی بغستان، که ۲۵۰۰ سال در کنار یکی از بزرگ‌ترین راه‌های کاروان‌رو جهان قرار گرفته است، بالا رفته است و در این مدت دراز راولینسن نخستین کسی است، که انگشت بر رد انگشتان حجاران تاریخ مالیده است. پیش از راولینسن کر پورتر Ker Porter تا نیمه کوه بغستان بالا رفته بود. اما، به خاطر دشواری صعود، ناگزیر از بازگشت شده بود^{۵۶}.

وقتی نتیجه بررسی‌های راولینسن درباره خط میخی فارسی باستان در سال ۱۸۴۶ منتشر شد^{۵۷}، کوشندگان نیمه‌راه، جز نشان [—] (ل)، که در سال ۱۸۵۱ وسیله یولیوس اوپرت J. Oppert (۱۹۰۵-۱۸۲۵)، خاورشناس آلمانی، خوانده شد^{۵۸} و

۵۵. برای آگاهی بیشتر از زندگی و کارهای سرهنری راولینسن نگاه کنید به:

J. Flemming, Beltr. z. Ass. 2, 1ff. 1894.

56. Personal narrative of a journey from India to England, Vol. II
London, P. 80.

۵۷. جلد دهم. 1847-46. Journal of the Royal Asiatic Society (JRAS)

58. Journal Asiatique, IV. sér. 1876, 1851.

نشان‌های «<» (نو) و «<-» (مو) و «<» (تو، تر، فا، ق) که وسیله خود را اولین خواننده شدند، همه نشان‌های خط میخی فارسی باستان - کم و بیش درست - خوانده شده بودند. - یعنی سی‌وسه نشان از سی‌وشش نشان.

جالب توجه است، که وقتی راولینسن در سال ۱۸۳۵، در لباس مشاور نظامی فرماندار نظامی انگلیس در کرمانشاه، آغاز به کار کرد، از تمام کوشش‌هایی که کوشندگان نیمه راه در اروپا کرده بودند، فقط این را می‌دانست، که گروه‌فند در رونبسته‌های کارستن نیبور به نسام سه شاه هخامنشی (گشتاسب [ویشتاسپ]، داریوش و خشایارشا) برخورد کرده است.^{۵۹}

راولینسن در سال ۱۸۳۶ دو بند اول سنگ‌نبشته بزرگ داریوش را در بیستون (DB) ۶۰ رونویسی کرد و با مطالعه این دو بند توانست نام دیگر نیاکان داریوش، یعنی آرشام، آریارمن و پیش پیش و هم‌چنین نام «پارس» را بخواند و به این ترتیب به هیجده نشان فارسی باستان دست یابد. پاییز همان سال، وقتی راولینسن در تهران با کارهای گروه‌فند و سن‌مارتن آشنا شد، متوجه شد، از نظر بازخوانی خط میخی فارسی باستان از این دو سلف خود، به مراتب جلو افتاده است. راولینسن، که همواره - علیرغم وظایف سیاسی و نظامی خود - در فکر سنگ‌نبشته بیستون و خط میخی و بازخوانی آن بود، در زمستان سال ۱۸۳۷ توانست، از بقیه سنگ‌نبشته بیستون قسمت بزرگی را رونویسی بکند.^{۶۱} او در سال ۱۸۳۸، بی‌آن‌که اطلاعی از کوشش‌های دیگر محققان داشته باشد، دو بند نخستین سنگ‌نبشته بیستون را به انگلیسی ترجمه کرد و آن‌را به انجمن آسیایی لندن فرستاد و در پاسخ، کتاب بورنوف را درباره خط میخی فارسی باستان دریافت کرد.^{۶۲} و با مطالعه آن متوجه شد، نه تنها موفقیت بورنوف بیشتر از او بوده است، بلکه خود او گرفتار خطاهایی شده است، که باید در رفع آن‌ها بکوشد. با این‌همه طی نامه‌ای برای

59. JRS, X, 1846-47, p. 8.

۶۰. سنگ‌نبشته بیستون را، که بزرگ‌ترین کارنامه سنگی تاریخ جهان است و در هیچ جای جهان تا کنون سنگ‌نبشته‌ای به این عظمت به دست نیامده است، داریوش پس از مقهور ساختن بابل در سده ۵۱۴ پیش از میلاد و بازگشت به ایران نویساند.

۶۱. ا. داندامایف ضمن مقاله‌ای به نام «در پیرامون تاریخ پژوهش کتیبه بیستون» اطلاعات جامعی درباره این سنگ‌نبشته داده است. خوشبختانه ترجمه فارسی این نوشته، به ترجمه دکتر عنایت‌الله رضا، در مجله «باستان‌شناسی و هنر ایران» (شماره سوم - تابستان ۱۳۴۸) به دست ما رسیده است.

61. Archaeologia, 34, 1846, 73ff..

62. Mémoire sur deux inscriptions cunéiformes trouvées près de Hamadan, Paris, 1836.

برخی از کارهای بورنوف پیشنهادهای اصلاحی فرستاد. نوشته‌های بورنوف در هموار ساختن راه بسیار دشوار دانشمندی خیلی سودمند افتادند^{۶۳} و او سرشار از شوق برای موفقیت بیشتر و رسیدن به هدف، به آموختن سانسکریت و اوستا و پهلوی پرداخت و توانست به کمک آموخته‌های خود و به کمک همهٔ رونبشته‌هایی، که پیش از او به وسیلهٔ سیاحان تهیه شده بودند، نخستین الفبای فارسی باستان را تهیه کند. اما متأسفانه کار راولینسن برای مدتی تعطیل شد. او در سال ۱۸۴۸ از طرف دولت متبوع خود مأمور شرکت در جنگ‌های افغانستان شد. راولینسن، درحالی که ظرف سال‌های ۱۸۳۶ تا ۱۸۳۹ از نیعی از سنگ‌نبشته بیستون و همچنین چند سنگ‌نبشته کوچک دیگر^{۶۴} رونبشته تهیه کرده بود، ناگزیر از ترک ایران شد.

راولینسن در سال ۱۸۴۳ دوباره به بغداد بازگشت و در این‌جا با وسترگارد بر خورد کرد و همهٔ رونبشته‌های او را در اختیار گرفت و توانست از سال ۱۸۴۴ مجدداً بارفتن به بیستون به کار رونویسی سنگ‌نبشته بزرگ داریوش پایان داده و با رویارویی خطرات مرگبار به رونویسی متن ایلامی پردازد^{۶۴}. دانشمند انگلیسی سپس در سال ۱۸۴۵ رونبشته همهٔ سنگ‌نبشته بیستون را همراه همهٔ متن‌هایی که تا این تاریخ به دست دانشمندان رسیده بود و هم‌چنین نتیجه همهٔ بررسی‌های خود و دیگران را، با قواعد دستوری و با ترجمهٔ واژه‌های فارسی باستان به لاتینی و متن فارسی باستان به انگلیسی، در جلد دهم مجلهٔ انجمن آسیایی لندن، که تنها به دست‌آوردهای راولینسن تخصیص داده شده بود، به چاپ رسانید. در این اثر جاودانی و از نظر تاریخ خط میخی فارسی باستان تعیین‌کننده، راولینسن واژه‌های فارسی باستان را با واژه‌های سانسکریت و اوستا و پهلوی و واژه‌های دیگر زبان‌های هند و اروپایی مقایسه کرده است و خویشاوندی این زبان‌ها را مورد مطالعه قرار داده است.

بزرگ‌ترین کشف راولینسن کشف هجا‌های [نشان‌های] «ای» - «دار» و «او» - «دار» بود. پیش از او دانشمندان اطلاعات بسیار ناچیزی در این خصوص داشتند^{۶۵}. راولینسن نتیجهٔ این کشف خود را به صورت یک مقالهٔ اصلاحی در سال ۱۸۴۸ برای مجلهٔ انجمن آسیایی لندن فرستاد، که در دهمین جلد این مجله به چاپ رسید. م. ا. داندامایف

63. JRAS, Vol X, 1847, 6.

64. م. ا. داندامایف، در پیرامون تاریخ پژوهش کتیبهٔ بیستون، ترجمهٔ دکتر هنایت‌الله رضا، باستان‌شناسی و هنر ایران، شمارهٔ سوم، ۱۳۴۸، صفحهٔ ۵۰.

64. H. Rawlinson, Notes on some Paper Casts of Cuneiform inscription, -Archaeologia, Vol 34, 1852, p.73.

65. JRAS, Bd X, 1846-47.

می‌نویسد: «این نکته در گذشته بر عده بسیار کمی معلوم بود. ا. هینکس E.Hincks، دانشمند ایرلندی، نیز مستقلاً به چنین کشف بزرگی نائل آمد

(On the first and second kinds of Persepolitan Writing)-

TRIA, Vol XXI, 1846, pt. 2 pp. 144ff.)

کار هینکس در جلسه آکادمی ایرلند به تاریخ ۹ ژوئن سال ۱۸۴۶ قرائت شد. اطلاعیه مختصر درباره این کشف به تاریخ بیستم ماه اوت همان سال توسط ا. نوریس، دبیر انجمن آسیایی در بغداد، جهت راولینسن ارسال شد (The Athenaeum 19. XII, 1846) راولینسن، پیش از دریافت اطلاعیه از جانب نوریس، مقاله خود را در تاریخ بیست و پنجم ماه اوت به انگلستان فرستاد» ۶۶.

راولینسن در سال ۱۸۵۱، وقتی سرکنسول انگلیس در بغداد بود، شروع به تهیه واژه‌نامه‌ای برای فارسی باستان کرد، که متأسفانه این کار به پایان نرسید ۶۷. مطالعه زندگی سرهنری راولینسن، مورخ را به شوق می‌آورد. - مردی سپاهی و سیاسی ۶۸، که ایران‌شناس نبود و توانست در زمان خود دانش ایران‌شناسی خود را - به حق - به همه ایران‌شناسان زمانش تحمیل بکند و برای آن‌ها دنیای ایران‌شناسی تازه‌ای بیافریند. راستی را که سال ۱۸۴۶، سال انتشار جلد دهم مجله انجمن آسیایی لندن، سال آفرینش دنیای تازه ایران‌شناسی است. - دنیایی با چشم‌انداز نو و هوایی دیگر.

الفبائی، که راولینسن در سال ۱۸۴۶ در جلد دهم مجله انجمن آسیایی ۶۹ منتشر کرد، دارای ۳۷ نشان بود و از این سی و هفت نشان، جز دو نشان، بقیه همه به درستی خوانده شده بودند. فقط نشان ۲ = (ل) خوانده نشده بود و یکی از نشان‌ها پاره‌ای از یک هزارش بود، که به غلط وارد الفبای راولینسن شده بود. به این ترتیب، یعنی با خوانده شدن ۳۵ نشان از ۳۶ نشان پرونده بازخوانی نبشته‌های فارسی باستان تقریباً در حال بسته شدن بود و «پدر دوم تاریخ» راه دشواری را، که گروته‌فند در سال ۱۸۰۲ رویاروی دانشمندان قرار داده بود، پس از ۴۴ سال به پایان می‌رسانید.

۶۶. داندمایف، مقاله یاد شده، صفحه ۵۱.

67. Grundriss der Iranischen Philologie Bd. II, 69 (JRAS, Bd XI, 1ff.)

۶۸. سرهنری راولینسن در سال ۱۸۵۶ به پارلمان انگلیس راه یافت و در سال‌های ۱۸۵۹-

۱۸۶۰ سفیر انگلیس در ایران بود.

69. JRAS, X, 185f..

۸- فهرست نشان‌های خط میخی فارسی باستان به ترتیب تاریخ بازخوانی:

تا بازخوانی نشان «ل»، که در سال ۱۸۵۱ وسیلهٔ اوپرت انجام گرفت، درست نیم قرن طول کشید، تا دانشمندان اروپایی توانستند، به هر ۳۶ نشان خط میخی فارسی باستان دست یابند. در فهرست زیر همهٔ نشان‌ها (الفبا)ی خط میخی فارسی باستان، به ترتیب تاریخ بازخوانی، در یک جا فراهم آمده است.^{۷۰} در این فهرست، هرگاه تاریخ دقیق بازخوانی معلوم نبوده است، تاریخ انتشار مقالهٔ بازخواننده مورد استناد قرار گرفته است و هرگاه دره‌ورد نشانی دو نظر متفاوت، در دو تاریخ متفاوت، داده شده است، نظر صحیح پیش از نظر نزدیک به صواب، که در داخل پارانتر قرار گرفته است، آمده است. هم‌چنین هرگاه دو دانشمند در دو تاریخ متفاوت موفق به خواندن نشانی شده‌اند، تنها به نام دانشمندی که برای نخستین بار به نتیجه رسیده است اشاره شده است. مثلاً با این که راولینسن ۳۵ نشان از ۳۶ نشان خط میخی فارسی باستان را خود به تنهایی خوانده است، جز در ۱۴ مورد نام او در فهرست قرار نگرفته است:

۱) 𐎠	نشان واصل	توکسن ۱۷۹۸
۲) 𐎡	آ «آ»	گروته‌فند ۱۸۰۲
۳) 𐎢	او «او»	گروته‌فند ۱۸۰۲
۴) 𐎣	خ	گروته‌فند ۱۸۰۲
۵) 𐎤	ک	گروته‌فند ۱۸۰۲
۶) 𐎥	پ	گروته‌فند ۱۸۰۲
۷) 𐎦	ف	گروته‌فند ۱۸۰۲
۸) 𐎧	ر	گروته‌فند ۱۸۰۲
۹) 𐎨	س	گروته‌فند ۱۸۰۲
۱۰) 𐎩	ش	گروته‌فند ۱۸۰۲
۱۱) 𐎪	ن	راسک ۱۸۲۶

۷۰. وایسیاخ در Grundriss der Iranischen Philologie, ۱۹۷۰ فهرست مشابهی تهیه کرده است. تفاوت عمدهٔ فهرست ما با فهرست وایسیاخ در ترتیب پشت سر هم آمدن نشان‌ها است.

۱۱) 𐎱	«ای»	سن مارتن ۱۸۳۲
۱۲) 𐎲	𐎠	بورنوف، لاسن ۱۸۳۶
۱۳) 𐎱-𐎲	𐎱	لاسن ۱۸۳۶
۱۴) 𐎲	𐎠	بورنوف ۱۸۳۶
۱۵) 𐎲-𐎱	𐎠	بورنوف ۱۸۳۶
۱۶) 𐎱-𐎲	𐎱	ژاکه ۱۸۳۶/۳۷
۱۷) 𐎱	𐎠	ژاکه ۱۸۳۶/۳۷
۱۸) 𐎱-𐎲	𐎠، رو	ژاکه ۱۸۳۷/۳۸ (گروته‌فند ۱۸۱۵: sr)
۱۹) 𐎱	𐎠	بئر، ژاکه ۱۸۳۷/۳۸
۲۰) 𐎱-𐎲	𐎠	بئر، ژاکه ۱۸۳۷/۳۸
۲۱) 𐎱-𐎲	𐎱	هولتسمن ۱۸۴۵ (ژاکه ۱۸۳۶/۳۷: z)
۲۲) 𐎱	𐎠، کو	راولینسن ۱۸۴۶ (گروته‌فند ۱۸۱۵: k)
۲۳) 𐎱-𐎲	𐎠، گو	راولینسن ۱۸۴۶ (لاسن ۱۸۳۶: g')
۲۴) 𐎱-𐎲	جی (ج)	راولینسن ۱۸۴۶ (لاسن ۱۸۳۶: j')
۲۵) 𐎱-𐎲	ت، تو	راولینسن ۱۸۴۶ (لاسن ۱۸۳۶: t')
۲۶) 𐎱	د	راولینسن ۱۸۴۶ (گروته‌فند ۱۸۰۲: d')
۲۷) 𐎱-𐎲	دی	راولینسن ۱۸۴۶ (هولتسمن ۱۸۴۵: d')
۲۸) 𐎱-𐎲	د، دو	راولینسن ۱۸۴۶ (لاسن ۱۸۳۶: d)
۲۹) 𐎱-𐎲	ن، نو	راولینسن ۱۸۴۶
۳۰) 𐎱-𐎲	م	راولینسن ۱۸۴۶ (راسک ۱۸۲۶: m)
۳۱) 𐎱-𐎲	می	راولینسن ۱۸۴۶ (لاسن ۱۸۳۶: m')
۳۲) 𐎱-𐎲	مو	راولینسن ۱۸۴۶
۳۳) 𐎱-𐎲	و	راولینسن ۱۸۴۶ (لاسن ۱۸۳۶: w)
۳۴) 𐎱	وی	راولینسن ۱۸۴۶ (سن مارتن ۱۸۲۲: v)
۳۵) 𐎱	تو، گور	راولینسن ۱۸۴۶
۳۶) 𐎱-𐎲	ل	اوپرت ۱۸۵۲

ادامه دارد